

لستوه

بررسی گفتمان سیاسی و رویکرد
اجتماعی سردار شهید حاج قاسم
سلیمانی

مجاهد بصیر

سردار سلیمانی از جناح‌بندی
و جاه‌طلبی‌های سیاسی دور بود

نگاه حاج قاسم درباره سیاست داخلی مورد احترام
همه جریان‌های سیاسی کشور بود

شهید سلیمانی و گفتمان
انقلاب اسلامی

حاج قاسم به دنبال پست
و شهرت‌های زودگذر نبود

خاطره انتخاباتی صادق کوشکی
از سردار حاج قاسم سلیمانی

شهید سلیمانی و گفتمان انقلاب اسلامی

که نوعاً خودش مبدع آن‌ها در شرایط ویژه بود، باعث شد او به عنوان دیپلماتی که از موقعیت‌های خطرناک با موفقیت خارج می‌شود، شناخته شود. به گونه‌ای که جریان‌های سیاسی و افکار عمومی به ویژه در جهان عرب به درایت سیاسی و دیپلماتیک وی باور داشتند و ذهنیت دنیای عرب این مهم را پذیرفته بود که وی دیپلماتی کارکننده و صاحب سبک و همواره موفق است. شهادت وی نیز نه در صحنه نظامی بلکه در صحنه تلاش‌های دیپلماتیک رقم خورد و نشان دهنده آن است که در اندیشه شهید سلیمانی اقدامات نظامی مکمل اقدامات و تلاش‌های دیپلماتیک است، نه برعکس.

◆ شهید سلیمانی؛ مجاهد در عمل

یکی از شاخصه‌های دیگر شهید سلیمانی نقش آفرینی وی به عنوان مجاهد عرصه نظامی بود. به عنوان فرمانده سپاه قدس همچون سربازی در خدمت گفتمان انقلاب اسلامی بود و همواره در خط مقدم مبارزه با دسته‌جات تروریست به ویژه در عراق و سوریه حضور می‌یافت و از برنامه‌ریزی تا هدایت جزئیات عملیات‌های نظامی علیه دشمن را عهده‌دار بود. از ویژگی‌های مهم وی، مشورت با فرماندهان میدانی در خط مقدم بود. دست این فرماندهان در اعمال روش‌های ابتکاری باز گذاشته می‌شد. به گونه‌ای که هسته‌هایی در مجموعه او پدید آمده بود که هرکدام وظیفه و مسئولیت خود را به خوبی می‌دانستند. در کنار این، او به معرفت‌افزایی و معنویت‌گرایی در جبهه‌های جنگ هم در جنگ تحمیلی و هم در جبهات برون مرزی در عراق و سوریه اهمیت زیادی می‌داد و همواره تغذیه فکری و روحی مجاهدان برای وی نسبت به امور دیگر اولویت داشت. به گونه‌ای که تک‌تک مجاهدانی که هم‌رزم وی در خطوط مقدم بودند، از سویی به خوبی با گفتمان انقلاب اسلامی و مسئولیت‌های خود نسبت بدان آشنا بودند و از سوی دیگر برای نیل به اهداف گفتمانی با ابزار و خودگذشتگی، شهادت در راه گفتمان اهل بیت^(ع) را با آغوش باز پذیرا بودند. از این رو، مخاطراتی که در این راه وجود داشت، هیچ‌گاه وی و مجاهدان هم‌رزم وی را از طی مسیر انقلاب و گفتمان انقلاب اسلامی باز نمی‌داشت. شاخصه دیگر وی در عرصه نظامی آن بود که مجاهدانی از سرزمین‌های اسلامی را در مجموعه‌های منظم چون لشکر فاطمیون، تیپ زینبیون و حیدریون گرد آورده بود؛ همان‌هایی که از سوی رهبر معظم انقلاب به عنوان رزمندگان بدون مرز شناخته می‌شوند. برای این مجاهدان که همگی با هدفی واحد، یعنی همان هژمون‌سازی گفتمان انقلاب اسلامی در سطح تمدنی و جهانی، با نثار جان فعالیت می‌کنند، شهید سلیمانی به عنوان یک مجاهد، الگو به شمار می‌آید.

◆ ابعاد نقش آفرینی حاج قاسم در گفتمان انقلاب اسلامی

این دو ویژگی شهید سلیمانی (به عنوان دیپلمات

در منطقه و جهان به ویژه پس از حضور نظامی آمریکا در افغانستان و عراق و جنگ داخلی سوریه مرهون نقش آفرینی شهید سلیمانی به عنوان یک دیپلمات و هم‌زمان یک مجاهد است.

◆ حاج قاسم در قامت دیپلمات

پیشینه فعالیت‌های شهید سلیمانی به عنوان فرمانده سپاه قدس نشان می‌دهد که ایشان در قدم اول درصدد بسط گفتمان انقلاب اسلامی از مسیر فعالیت‌های نرم بوده است. بر این اساس وی در پیشبرد میدانی امور به عنوان یک تئورسین در قالب گفتمان انقلاب اسلامی در پیشبرد گفتمان انقلاب اسلامی دست به نظریه‌پردازی در اوضاع سیاسی و اجتماعی متفاوت در منطقه و جهان می‌زد و خود را سابه عنوان یک دیپلمات در صحنه حضور می‌یافت و به صورت حضوری و میدانی نقش ایفا می‌کرد. راه حل‌ها و اندیشه‌هایی را که خود برای اوضاع ویژه و بحرانی طراحی می‌کرد، پیش می‌برد و در این مسیر هیچ مخاطره‌ای مانع حضور وی نمی‌شد. او به عنوان یک دیپلمات در عالی‌ترین سطح دست به مذاکره می‌زد و هم‌زمان در اجتماعات خیابانی با مردم در کوچه و بازار در ارتباط مستقیم و مستمر بود. در زمانی که افراط‌گرایان و وهابی‌ها به انتصرون دولت اسلامی عراق و شام (داعش) بخش قابل توجهی از سوریه را متصرف شده بودند و کاخ ریاست جمهوری سوریه در تبرس سلاح‌های سبک آنان قرار داشت، با مسافرت به مسکو و مذاکره مستقیم با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، وی را برای حضور نظامی در کنار نیروهای مقاومت در سوریه مجاب کرد. با حضور نیروهای روسی در سوریه یکی از مهم‌ترین اقدامات دیپلماتیک شهید سلیمانی آن بود که هماهنگی بین نیروهای مقاومت و نیروهای روسی به وجود آمد. به گونه‌ای که کمترین تنش بین نیروی مقاومت و نیروهای روسی در حمایت از دولت بشار اسد به وجود آید. نقش دیپلماتیک شهید سلیمانی در این بین تعیین‌کننده و کلیدی بوده است.

◆ نقش دیپلماتیک حاج قاسم در مبارزه با داعش

همین‌گونه نقش دیپلماتیک شهید سلیمانی در مبارزه با داعش در عراق و سرکوب آن‌ها در عراق نیز تعیین‌کننده بوده است. او رابطه تنگاتنگی با نیروهای کرد در کردستان عراق و نیروهای شیعه در مرکز و جنوب عراق برقرار کرد و توانست با حمایت از نیروهای حشدالشعبی (بسیج مردمی عراق) که با فتوای آیت‌ا... سیستانی (در ۲۳ خرداد ۱۳۹۳) تشکیل شده بود، نقش پررنگی در برقراری ارتباط و هماهنگی و انسجام با طیف‌های متعدد این نیروها [که از نیروهای عمدتاً شیعی تشکیل شده است، اما گروه‌های سنی، مسیحی و ایزدی نیز در آن هستند] و همچنین جریان‌های تأثیرگذار سیاسی در داخل عراق که یکی از مهارت‌های ویژه او بوده است، داشته باشد. تلاش‌های دیپلماتیک وی در قالب برنامه‌های سیاسی

شخصیت، گفتمان، نگاه، جایگاه و عملکرد شهید حاج قاسم سلیمانی را می‌توان از ابعاد مختلف بررسی کرد. رهبر انقلاب در بیاناتشان در نماز جمعه پس از شهادت سردار دل‌ها توصیه کردند که شهید سلیمانی به عنوان یک مکتب و راه مطالعه شود. بررسی مکتب حاج قاسم و راهی که این شهید بزرگوار در طول عمر خود سپری کرده است، بیانگر ولایت‌پذیری تمام و کمال حاج قاسم به عنوان یک شاخصه ممتاز است. شناخت مکتب حاج قاسم از آنجایی می‌تواند راهگشا و مؤثر باشد که در ذیل گفتمان انقلاب اسلامی مطالعه شود. گفتمان انقلاب اسلامی از چند منظر دارای ویژگی است؛ فضای گفتمانی انقلاب اسلامی کاملاً با فضایی که در آن انقلاب‌ها غالباً برای برنشانیدن یکی از گفتمان‌های سکولار شرقی یا غربی صورت می‌گرفت، متفاوت است. انقلاب اسلامی که بر مدار هویت شیعی رخ نشان داده است، نه تنها از رویه رایج در عصر انقلاب‌ها تبعیت نمی‌کند، بلکه با گفتمان سکولار در هر قدامت‌اندازه‌ای غیریت‌سازی می‌کند.

◆ گفتمان انقلاب اسلامی در کلام امام خمینی (ره)

گفتمان انقلاب اسلامی عملادر سه فضای درون مذهبی، تمدنی و جهانی فعال است. از این منظر باید بتواند با توجه به این فضای سه‌گانه، نشانه‌های گفتمان انقلاب اسلامی را به صورت هدفمند مفصل‌بندی کند تا امکان غیریت‌سازی در مقابل این فضاها را داشته باشد. امام‌را حل^(ع) با درک عمیق از این جایگاه گفتمان انقلاب اسلامی، نقش مهمی برای عملکرد فعالانه این گفتمان قائل بود و به فراگیری این گفتمان (گفتمان انقلاب اسلامی) تأکید داشت که معمولاً از آن به صدور انقلاب تعبیر می‌شد. در سخنان امام خمینی^(ع) این سه فضایی که گفتمان انقلاب اسلامی باید در آن فعال باشد، به خوبی ترسیم شده است. به فرموده امام، هژمون گفتمان انقلاب اسلامی نباید در مرزهای ایران و تشیع محدود شود که اگر چنین شود، دچار روزمرگی و رکود خواهد شد. به باور امام^(ع) گفتمان انقلاب باید به ایجاد پیوند و ارتباط هرچه بیشتر بین شیعه و سنی و تشکل آن‌ها به عنوان یک نیروی واحد و قدتمند جهانی در برابر قدرت‌های جهانی منجر شود.

◆ نقش سپاه قدس در گفتمان انقلاب اسلامی

شکل‌گیری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک ارگان عمدتاً نظامی در دوم اردیبهشت ۱۳۵۸ به فرمان امام خمینی^(ع) به همین منظور بود. سپاه قدس به عنوان یکی از چهار رکن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، عهده‌دار پیشبرد و عملیاتی‌سازی رویکرد تمدنی و جهانی گفتمان انقلاب اسلامی است. فعالیت این نیرو از زمانی که سردار سلیمانی در سال ۱۳۷۶ فرماندهی آن را برعهده گرفته است، سطحی وسیع از خاورمیانه را پوشش داده است که نشان دهنده دامنه تأثیرگذاری وی در منطقه است. به نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از توفیق سپاه قدس



و جهادگر) باعث شده است وی به عنوان بازیگری تعیین‌کننده در پیشبرد گفتمان انقلاب اسلامی مطرح باشد. نقش آفرینی و تأثیرگذاری فعالیت‌های وی عرصه‌های مهم درون‌مذهبی، تمدنی و جهانی را شامل می‌شود.

◆ نقش آفرینی مذهبی

شیوه عملکرد شهید سلیمانی در حوزه‌های مختلف نظامی، فرهنگی و هویتی کاملاً در مسیر گفتمان‌سازی بر مدار انقلاب اسلامی و ولایت فقیه استوار است. بر همین اساس همه شاخصه‌هایی که باعث اتحاد جوامع شیعی می‌شود، در اندیشه و برنامه‌ریزی و عملکرد شهید سلیمانی در کانون توجه قرار دارد. برای مثال توجه به سنت دیرپای مناسبت اربعین و ارتباط بین توده شیعیان در ایام اربعین که گفته می‌شود در شکل کنونی‌اش از ابتکارات شهید سلیمانی است، از همین رویکرد وی ناشی می‌شود. ارتباط نزدیک و صمیمانه بین فرماندهان شیعه که معتقد به گفتمان انقلاب اسلامی و ولایت فقیه هستند، از این رویکرد ناشی می‌شود. بنابراین می‌توان گفت یکی از حوزه‌های مهم فعالیت گفتمانی شهید سلیمانی نقش آفرینی درون‌مذهبی و شیعی وی است. اگر شیعه بتواند در این عرصه به وحدت و انسجام بر مدار گفتمانی معرفتی، هویتی و زیستی دست یابد، می‌توان از آن به عنوان منشأ تحولات گفتمانی در عرصه تمدنی و جهانی استفاده کرد، اما اگر چنین نشود، نقش آفرینی تمدنی و جهانی گفتمان انقلاب اسلامی با رکود و خمودگی روبه‌رو خواهد شد. درک این مهم باعث می‌شد که شهید سلیمانی به فراگیر شدن گفتمان انقلاب اسلامی در درون شیعه اهمیت کانونی دهد.

◆ نقش آفرینی تمدنی

معرفی گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه تمدنی و در جهان اسلام یکی از مهم‌ترین نشانه‌های فعالیت‌های شهید سلیمانی بوده است. وارد کردن گفتمان انقلاب اسلامی به دنیای اهل سنت بخش مهمی از فعالیت‌های شهید سلیمانی است. او ارتباطات تنگاتنگی با فعالان اسلامی در جهان اسلام برقرار کرده بود، حتی بهار عربی که برخی تحلیلگران سیاسی آن را به عنوان بدیلی عام برای گفتمان انقلاب اسلامی به شمار می‌آوردند نیز نتوانست ارتباط نشانه‌های گفتمانی بین انقلاب اسلامی و برخی جریان‌های اسلام‌گرا مانند جهاد اسلامی و حماس در فلسطین را از بین ببرد. شرکت اسماعیل هنیه در مراسم خاک‌سپاری شهید سلیمانی و سخنرانی در آن، از درهم‌تنیدگی یا حداقل تعامل گفتمان انقلاب اسلامی با جریان‌های اسلامی تأثیرگذار بر جهان اسلام حکایت می‌کند که مستقیم با عملکرد و نقش آفرینی شهید سلیمانی در چگونگی برقراری مناسبات گفتمانی بین گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان‌های مقاومت در سراسر جهان اسلام ارتباط دارد. برقراری این قبیل مناسبات فقط منحصر به گروه‌های اسلام‌گرا نیست، بلکه شهید سلیمانی گفتمانی را پیش می‌برد که بر اساس آن همه گروه‌های زیر فشار در داخل جهان اسلام با آن ارتباط نزدیک داشتند. از آن جمله می‌توان به گروه‌های کرد عمدتاً سکولار در شمال عراق اشاره کرد که اتفاقاً ارتباطات نزدیکی با آمریکا و ناتو دارند. در موقعیتی که

داعش به دروازه‌های اربیل، پایتخت اقلیم کردستان عراق، رسیده بود و جهان هر آن منتظر بود تا با انفعال نیروهای خارجی در عراق از جمله آمریکا و ناتو، خبر اشغال آن توسط داعش را بشنود، حضور سردار سلیمانی در میان کردها و پشتیبانی عمده‌نامعنوی وی به عنوان نماینده گفتمان انقلاب اسلامی باعث شده که کردها با کمک وی و گروه‌های مقاومت در مقابل داعش بایستند و مانع از سقوط اربیل و کردستان عراق توسط داعش شوند. اگر چنین نمی‌شد، فاجعه‌ای انسانی در کردستان رخ می‌داد. این شواهد نشان می‌دهد که گفتمانی که شهید سلیمانی از آن نمایندگی می‌کرد، نه تنها در بین جریان‌های اسلام‌گرا دارای نفوذ است، بلکه در میان جریان‌های دیگر نیز به عنوان عاملی تأثیرگذار در مناسبات درون‌تمدنی عمل می‌کند. دفاع همه جانبه از دولت مرکزی سوریه که از نظر جریانی، غیراسلام‌گرا به شمار می‌رود نیز حاکی از همین موضوع است.

◆ نقش آفرینی جهانی

در عرصه جهانی حضور، انقلاب اسلامی به عنوان یک گفتمان توسط جریانی نمود یافت که شهید سلیمانی پرچم‌دار آن بود. اصطلاحی که رهبر معظم انقلاب برای نقش آفرینی جهانی مجموعه‌ای که شهید سلیمانی راهبری می‌کرد، استفاده کردند، در این باره گویاست: «رزمندگان بدون مرز» این نوک پیکان نقش آفرینی جهانی گفتمان انقلاب اسلامی است که خودش را متعهد به مرزبوم جغرافیایی نه، بلکه خودش را متعلق به مرزبوم و مؤلفه‌های گفتمانی می‌داند که هدف‌گذاری‌شان یک هدف‌گذاری گفتمانی و معرفتی و هویتی است. شهید سلیمانی در این مسیر با تلاش‌های بی‌وقفه‌اش مجموعه‌ای از کنشگران بین‌المللی را گرد آورده بود که هدف‌گذاری فعالیت آن‌ها در قالب مرزهای حاکمیتی و جغرافیایی تعریف نمی‌شد. از این رو، کنشگرانی از تمام نقاط جهان اسلام برای انقلابی جهانی تلاش می‌کردند که کلیدواژه کانونی فعالیت آن‌ها مقاومت در مقابل هژمون گفتمان استکبار در سطح جهانی بود. این گفتمان دربردارنده مفاهیم بسیار مهم در اندیشه اسلامی چون جهاد، مقاومت، شهادت و امامت است.

◆ مهم‌ترین مؤلفه فکری حاج قاسم

جهاد و تلاش بی‌وقفه برای برپایی گفتمان اسلامی و حکومت اسلامی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تفکری است که شهید سلیمانی آن را نمایندگی می‌کرد، مقاومت در برابر سلطه فکری و مادی گفتمان رقیب و ضربه زدن به گفتمان رقیب از دیگر مؤلفه‌های اساسی است که به عنوان نشانه مرکزی توسط رهبر معظم انقلاب برجسته‌سازی شده است و به وسیله شهید سلیمانی در عرصه جهانی عملیاتی می‌شد. شیوه نقش آفرینی تمام کسانی که به این گفتمان وابسته‌اند، گذشت از جان و مطالبه شهادت است. به گونه‌ای که شهید سلیمانی خود نیز بدان دست یافت. پیروی از امامت امت کلیدواژه کانونی است که گفتمان شهید سلیمانی در دامن آن تولید شد؛ کلیدواژه‌ای که انقلاب اسلامی برای تبلور آن در ساحت سیاسی و اجتماعی ایجاد شده است. از این رو، همه نشانه‌های دیگر چون گفتمان جهاد، گفتمان مقاومت، گفتمان شهادت در پیرامون آن معنا می‌یابند.



هم‌ترین محور ما از وصیت‌نامه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

شکر الهی

- ♦ تو را شکرگزارم که پس از عبد صالحت خمینی^(ع)، مرادر مسیر خامنه‌ای عزیز قرار دادی.
- ♦ شکر شرم بر آستانت می‌سایم که مرادر مسیر فاطمه اطهر^(س) و فرزندانش قرار دادی.
- ♦ تو را سپاس که مرا از پدر و مادر فقیر، اما متدین و عاشق اهل بیت^(ع) بهره‌مند نمودی.

خطاب به مجاهدان

- ♦ بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند.
- ♦ به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام، خیمه ولایت را رها نکنید.

خطاب به مردم کرمان

- ♦ مردم کرمان فرزندان خود را در جنگ‌های شدید روانه کردند و لشکر بزرگ‌تارا... بنیان‌گذاری شد.
- ♦ امروز به تقدیر الهی از میان شما رفته‌ام، من شما را از خانواده خود بیشتر دوست دارم.
- ♦ دوست دارم کرمان همیشه و تا آخر با ولایت بماند.





خطاب به سیاستمداران

- ◆ اگر عمل و کلام شما تضعیف کننده دین و انقلاب بود، مغضوب نبی مکرم (ص) و شهدا هستید.
- ◆ اعتقاد عملی به ولایت فقیه یعنی با جان و دل به توصیه و تذکرات او عمل کنید.
- ◆ اعتقاد حقیقی به جمهوری اسلامی و مبانی آن داشته باشید.
- ◆ افراد پاکدست و معتقد و خدمتگزار به ملت را به کار بگیرید.
- ◆ مقابله با فساد و دوری از فساد و تجملات راشیوه خود قرار دهید.
- ◆ احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بدانید.
- ◆ همانند پدران جامعه به ترتیب و حراست از جامعه توجه کنید.

خطاب به علما و مراجع معظم

- ◆ اگر این نظام آسیب ببیند، دین و ارزش های آن از بین می رود.
- ◆ راه صحیح، حمایت از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی فقیه است.

مناجات با خدا

- ◆ دستم خالی است و کوله پشتی سفرم خالی، به امید ضیافت عفو و کرم تو می آیم.
- ◆ مرا پاکیزه بپذیر؛ آن چنان بپذیر که شایسته دیدارت شوم.
- ◆ من سال ها است از کاروانی به جا مانده ام و تو خود می دانی هرگز نتوانستم آن ها را از یاد ببرم.
- ◆ مرا به قافله ای که به سویت آمدند، متصل کن.

خطاب به مردم ایران

- ◆ از اصول مراقبت کنید، اصول یعنی ولی فقیه، خصوصا خامنه ای عزیز را عزیز جان خود بدانید.
- ◆ مذمت دشمنان و شماتت و فشار آن ها، شما را دچار تفرقه نکند.
- ◆ مهم ترین هنر خمینی (ع) عزیز این بود که اول اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد.
- ◆ شهدا، محور عزت و کرامت همه ما هستند، آن ها را در چشم، دل و زبان خود بزرگ ببینید.
- ◆ نیروهای مسلح را برای دفاع از خودتان، مذهبتان، اسلام و کشور احترام کنید.

خطاب به خانواده شهدا

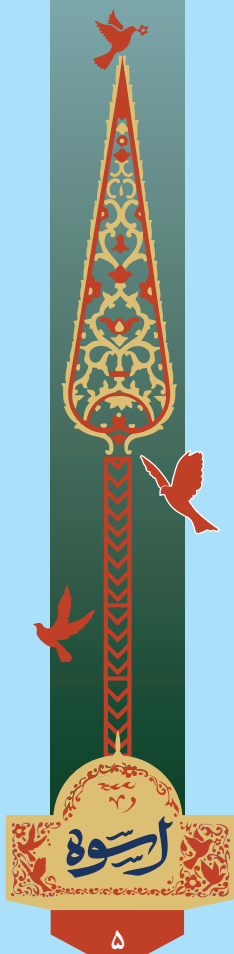
- ◆ صوتی که روزانه با آن مأنوس بودم، صدای فرزندان و پدر و مادر شهدا بود.
- ◆ مرا حلال کنید و عفو نمایید، نتوانستم حق لازم شما را ادا کنم.

خطاب به سپاه و ارتش

- ◆ ملاک انتخاب فرماندهان را شجاعت و قدرت اداره بحران قرار دهید.
- ◆ شناخت به موقع از دشمن و اتخاذ تصمیم و عمل به موقع داشته باشید.

طلب حلالیت

- ◆ از همسایگانم و دوستانم و همکارانم طلب بخشش و عفو دارم.
- ◆ از رزمندگان لشکر ثارا... و نیروی با عظمت قدس طلب بخشش و عفو دارم.
- ◆ از برادران رزمنده و مجاهدی که به زحمت انداختمشان عذرخواهی می کنم.





انتشار برای اولین بار

خاطره انتخاباتی صادق کوشکی از سردار حاج قاسم سلیمانی



زینب میرآخوری|صادق کوشکی، فعال سیاسی اصول‌گرا، درگفت‌وگو با ویژه‌نامه آسوه برای اولین بار خاطره‌ای از حاج قاسم سلیمانی مطرح کرد که در ادامه می‌خوانید.



باشد. من حس کردم که برخی آقایان از نامزد شدن ایشان نگران شدند. فکر می‌کنم یک هفته پس از این ماجرا بود که از دفتر آقای سلیمانی مطلع شدم ایشان خیلی ناراحت شده‌اند. پیام داده بودند که چرا این مطلب را نوشتم و دلیل نوشتن این مطلب را از بنده جویا شدند. ایشان هم فکر کرده بودند منظور من این است که ایشان نامزد شوند و بنده سعی کردم نگرانی ایشان را برطرف کنم. هدفم از بیان این خاطره این بود که یادآوری کنم سردار سلیمانی همان جایگاهی را که داشت، مهم‌ترین جا برای خودش می‌دانست و مثل برخی سیاست‌پوستان نبود که دنبال جاعوز کردن باشد و بالاترین پست را همان جایی می‌دید که در آن قرار داشت. اکنون روزهای انتخابات است و افرادی که قصد شرکت در انتخابات را دارند، باید خط‌مشی حاج قاسم را مورد توجه قرار دهند. این شهید هیچ وقت برای قدرت‌طلبی جابه‌جا نشد و دنبال پست بالاتر نرفت.

خلاصه یادداشتی که منتشر شد، این بود که نشریه نیوزویک آمریکا چنین مطلبی را درباره حاج قاسم منتشر کرده است و باید چنین فردی با چنین ویژگی‌هایی رئیس‌جمهور کشور ما شود. پس از انتشار یادداشت، بازتاب‌های زیادی را دریافت کردیم. برخی تصور کردند منظور من از مطالب منتشر شده این است که آقای سلیمانی خودشان بیایند و رئیس‌جمهور شوند، درحالی‌که منظورم این بود شخصی که می‌خواهد رئیس‌جمهور شود، باید چنین ویژگی‌هایی داشته باشد. مدتی از انتشار این یادداشت گذشت و برخی کاندیداهای آن زمان تصور کردند من اطلاعات خاصی در این زمینه دارم. پس از آن با من تماس‌هایی گرفتند و درباره نامزد شدن سردار سلیمانی سؤال پرسیدند که من توضیح دادم اصلاح بحث نامزد شدن ایشان مطرح نیست و منظور بنده این است که نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری باید این ویژگی‌ها را داشته

بایز یا زمستان ۱۳۹۱ بود. آن زمان حاج قاسم خیلی شناخته شده نبود. خواص ایشان را می‌شناختند، اما حاج قاسم هنوز رسانه‌ای نشده بود. من مطلبی را در نشریه آمریکایی نیوزویک دیدم؛ در یک شماره ویژه‌نامه‌ای را منتشر کرده و حتی روی جلد هم عکس حاج قاسم را چاپ کرده بود. در آن ویژه‌نامه گزارشی مفصل درباره حاج قاسم سلیمانی منتشر و شخصیت ایشان را بررسی کرده بودند. نکاتی را از آن گزارش یادداشت کردم از جمله اینکه این آدم از آمریکایی‌ترسد، خیلی با اعتماد به نفس است و از موضع بالا با آمریکا برخورد می‌کند، به شدت مراقب منافع ملی کشورش است و از این دست ویژگی‌ها را برای آقای سلیمانی برشمرده بود. من این ویژگی‌ها را در قالب یک یادداشت نوشتم. آن زمان انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۲ را پیش رو داشتیم. این یادداشت در فضای رسانه‌ای (زمستان ۱۳۹۱) منتشر شد.



۶

حمیدرضا ترقی، قائم مقام حزب مؤتلفه اسلامی:

حاج قاسم به همه جریان‌های سیاسی نگاه پدران داشت



را از سر ملت‌های اسلامی دور کند.

♦ شما شخصیت و گفتمان سیاسی حاج قاسم را چگونه می‌بینید؟

شخصیت سردار سلیمانی به تعبیر بسیاری از ژنرال‌ها و فرماندهان نظامی دنیا، بی‌نظیر و دارای کاریزمای ویژه و طراح عملیات جنگ‌های پارتیزانی و پایبند به ارزش‌های انسانی و اخلاقی در جنگ بود. او دارای شجاعتی بی‌نظیر بود که با رفتن به دل دشمن هیچ واژه‌ای از نبرد با او نداشت و همیشه برای اینکه نیروهایش را با انگیزه به سمت هدف هدایت کند، خودش جلوتر از سربازانش حرکت می‌کرد. این شخصیت خودش را سرباز ولایت و اسلام می‌دانست. تلاش می‌کرد همه امکانات و توانمندی‌اش را برای حفظ امنیت امت و جوامع اسلامی به کارگیرد و با مبارزه حساب شده و با برنامه‌های بزرگ‌ترین دشمنان در جهان حرکتی را دنبال کند که بتواند در بازه زمانی بیست‌سی ساله شر استکبار

زینب میرآخوری|اینکه خبر نامزد شدن حاج قاسم در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۶ مورد اقبال قرار گرفت، سه دلیل داشت؛ دلیل اول ولایت‌پذیری و سربازی بدون منت ایشان در طول فعالیت و خدماتش بود، دلیل دوم کارآمدی و توانمندی ایشان در مقابله با بحران‌ها و مشکلات مهم در جهان و منطقه مثل داعش و مسائلی بود که در منطقه رخ داد و دلیل سوم هم نگاه جامع و پدران‌ای بود که به همه جریان‌های سیاسی داشت.

حمیدرضا ترقی درگفت‌وگو با ویژه‌نامه آسوه تأکید کرد که اگر حاج قاسم در اوضاع کنونی حضور داشت، حتماً همه را به حضور پرشور برای شرکت در انتخابات تشویق می‌کرد؛ چراکه وی فردی ولایت‌پذیر و تابع رهبری بود. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب بر اهمیت انتخابات تأکید دارند. در ادامه، مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید.



♦ حاج قاسم در بخشی از وصیت‌نامه‌اش تأکید کرد «برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید». به نظر شما منظور حاج قاسم از این جمله چیست؟

اصولاً هیچ امتی بدون امام نمی‌تواند دوام و بقا داشته باشد. دوام و بقای امت اسلامی به عمود خیمه آن، یعنی ولایت بستگی دارد؛ همان‌طور که ایشان جمهوری اسلامی را حرم می‌دانست و خیمه انقلاب اسلامی را متکی به عمود آن یعنی رهبری می‌دانست. بنابراین حفظ خیمه انقلاب اسلامی که جمهوری اسلامی، ولایت و رهبری است، نقش بسیار مؤثری در حفظ امت اسلامی و تداوم رشد و تعالی امت اسلامی خواهد داشت. انسجام و وحدت امت اسلامی منوط به این است که خیمه‌ای که محور اصلی انسجام و وحدت امت است، همیشه پابرجا باشد و از آسیب‌های دشمن مصون بماند.

مرد میدان معرکه و دیپلماسی



در یادداشت پیش رو محمد مهدی طباحیان درباره وجوه اشتراک زید بن صوحان و هاشم بن عتبه بن ابی وقاص با حاج قاسم سلیمانی نوشته است. این دو تن، از اصحاب تأثیرگذار و شاخص امیرالمؤمنین علی^(ع) بودند.



حاج قاسم برخلاف برخی از آقایانی که فقط ادعا دارند و اهل عمل نیستند برای نظام اسلامی کم هزینه ولی پرفایده است؛ مدیری بهانه گیر و اهل حرف نیست. اگر هم جایی به فضای رسانه وارد می شود، برای دفاع است. حاج قاسم از این منظر تشابهاتی با دو تن از اصحاب امیرالمؤمنین^(ع) دارد. یکی زید بن صوحان و دیگری هاشم بن عتبه بن ابی وقاص. حاج قاسم می داند که باید کرمان باشد و با اشار مقابل کند، کی باید در عرصه سپاه قدس باشد و کی در کربلای ۵. جایی که به او می گویند بیارئیس جمهور شو، پاسخش منفی است. زید بن صوحان، از اصحاب پیامبر^(ص) و یار دیرین امیرالمؤمنین^(ع) است؛ مردی محترم، معتبر و اهل زهد و عبادت. هنوز هم ورودی مسجد سهله، مسجدی که به دستان خودش بنا کرد، به نام مبارکش مزین است. در آغازین روزهای خلافت مولا، ابوموسی اشعری کوفه را متلاطم کرد. اشعری طوفانی از شبهه به راه انداخت که سوی چشم ها را ستانده بود. در این وضع، باید خیلی بصیر باشی تا راه را از بیراهه تشخیص دهی. دولت نوپای علوی به بیعت کوفیان محتاج بود و کوفه چون بیماری در شرف احتضار، جانی برای لبیک نداشت. اینجاست که ابن صوحان جایش را پیدا می کند، زید دوشادوش صحابی



سال خورده پیامبر اکرم^(ص) و رفیق دیرین علی^(ع)، حذیفه بن یمان، می ایستد تا چراغ بیندازد و در این ظلمت راه نشان دهد. آنان برای تهییج کوفه به همراهی با امیرالمؤمنین^(ع) و بیعت ستانی برای حضرتش تلاشی بیش از توقع و انتظار می کنند. اشعری مثل ساحران فرعون هر روز علیه علی^(ع) ماری از آستین بیرون می آورد و فتنه ای جدید برپا می کرد و برخلاف رویه عمومی که استناداران باید برای خلیفه بیعت بستانند، کار را دائم به تأخیر می انداخت و این تأخیر سم مهلک دولت علوی و نوشداروی جملیان بود. همین جاست که زید در میانه مسجد برمی خیزد و معرکه ای به راه می اندازد و تلاش می کند نسبت به ابوموسی اشعری موضع منفی اتخاذ کند و تأخیر او را برای بیعت در رسانه ها پررنگ کند. زید وارد مسجد می شود و به ابوموسی می گوید آیا به حقانیت مولایمان مرددی؟ اشعری پاسخ می دهد: بگذار کمی بیشتر تأمل کنیم، عجله برای چیست؟ زید بن صوحان به این روباه پیر پاسخ می گوید که تعلق برای چیست؟ با مردمان صادق باش! اگر بنای بیعت با علی^(ع) نداری، ما بزرگان و ریش سفیدان اصحاب برای این امر چاره و کاهلی تو را جبران کنیم. کلام زید به پایان نرفته بود که خودش دست مجروحش را بلند می کند و با

دست دیگرش بیعت می کند و فریاد برمی آورد: دست سالمم را دستان مطهر مولایم بدانید و دست مجروحم را دست زید، من بیعت را آغاز کردم، هرکه با علی^(ع) است، پا پیش بگذارد و با دست سالم من به نیابت مولایم بیعت کند. مردم و مورخان و حتی دیوارهای مسجد کوفه برای همیشه شهادت دادند اولین دستی که در کوفه به سمت بیعت با علی^(ع) دراز شد، دست جانباز زید بود و هم او بود که آب بر آتش فتنه اشعری ریخت و کوفه را برای مولایش آماده ساخت. نیز به وقت جنگ جمل، یکی از سران جبهه مخالف حضرت علی^(ع)، اقدام به نامه نگاری با برخی بزرگان می کند که یکی از آن ها زید بن صوحان است. آن فرد زید را با لفظ پسر خطاب می کند و با عنوان ام المؤمنین از او می خواهد که با علی^(ع) همراهی نکند، اما زید در پاسخ می نویسد: تو تا زمانی مادر ما هستی که خانه نشین باشی و مرام و مروت برخلاف پیامبر^(ص) نباشد. ما در حمایت از علی بن ابی طالب^(ع) کم کاری نمی کنیم. زید همچنین بخش مهمی

و توانمندی ایشان در مقابله با بحران ها و مشکلات مهم در جهان و منطقه مثل داعش و مسائلی بود که در منطقه رخ داد و دلیل سوم هم نگاه جامع و پدرا نه ای بود که به همه جریان های سیاسی داشت.

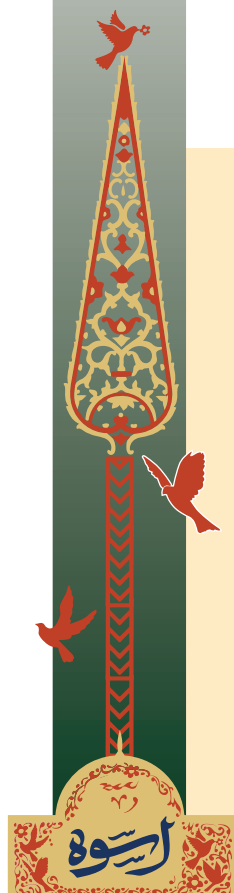
♦ اگر حاج قاسم زنده بود، باتوجه به وضع کنونی جامعه به ویژه مشکلات اقتصادی و مطالبات مردم، چه رویکردی درباره انتخابات مجلس برمیگزید؟ اگر حاج قاسم زنده بود، قطعاً در این انتخابات شرکت می کرد. ضمن اینکه با شرکت آگاهانه و بصیرانه اش کسانی را انتخاب می کرد که بتوانند تحول لازم را در عرصه های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور پدید آورند. دیگر اینکه تلاش می کرد با تبیین این مسئله در جامعه و روشن کردن افکار عمومی جامعه، توطئه دشمن را در کاهش مشارکت و کاهش پشتوانه مردمی انقلاب اسلامی برای همه روشن و شفاف کند تا مردم فریب تبلیغات و سیاه نمایی های دشمن را نخورند. در نهایت اگر حاج قاسم بود، تلاش می کرد امید به آینده را در مردم و نسل جوان به گونه ای منطقی ترویج کند تا مردم نقاط مثبت جمهوری اسلامی و گام های مثبتی را که برای حل مشکلات برداشته شده است، بیشتر ببینند.

ایشان سعی کرد مکتبی را در جامعه اسلامی جای بگذارد که این مکتب «تبعیت از ولایت و رهبری» را به عنوان تنها راه نجات ملت در فتنه ها، بحران ها و مشکلات تضمین و تأکید می کرد. نکته دوم اینکه راه عبور از مشکلات، گرفتاری ها و موانعی که در مسیر انقلاب اسلامی و تعالی و اقتدار اسلام در جهان وجود دارد، «وحدت و انسجام جبهه مقاومت حول محور ولی امر مسلمین جهان» است. حاج قاسم تلاش کرد این مکتب را در داخل جامعه، در منطقه و در جبهه مقاومت تثبیت کند و جا بیندازد که تنها راه اعتلای اسلام در اوضاع کنونی این مسیر است.

♦ در سال ۱۳۹۶ خبرهایی مبنی بر نامزد شدن حاج قاسم در انتخابات ریاست جمهوری مطرح شد که با اقبال طیف های مختلفی از مردم و مسئولان همراه شد. به نظر شما حاج قاسم چه ویژگی هایی داشت که خبر نامزد شدنش این گونه مورد اقبال واقع شد؟ اینکه خبر نامزد شدن حاج قاسم در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ مورد اقبال قرار گرفت، سه دلیل داشت؛ دلیل اول ولایت پذیری و سربازی بدون منت ایشان در طول فعالیت و خدمتش بود، دلیل دوم کارآمدی

♦ حاج قاسم در بخش دیگری از وصیت نامه اش خطاب به سیاستمداران کشور نکاتی را بیان کرد. به نظر شما باتوجه به نزدیک بودن به ایام انتخابات مجلس چه میزان از این نکات مورد توجه سیاستمداران کشور قرار دارد؟ ایشان در درجه اول تأکید داشت که همه جریان های سیاسی که مدافع نظام و انقلاب هستند و خودشان را تثبیت کننده نظام جمهوری اسلامی می دانند و در جهت تحکیم مبانی جمهوری اسلامی عمل می کنند، باید با حفظ محوریت و گفتن رهبری در نظام جمهوری اسلامی، انسجام، وحدت و یکپارچگی خود را در مقابل دشمنان حفظ کنند و از تفرقه، تشتت و ناخن کشی به همدیگر و از درگیر شدن با مسائل جزئی و سلیقه ای پرهیز کنند. بنابراین، سیاستمداران و احزاب باید تلاش کنند که با وحدت و یکپارچگی حرکت انقلاب را در مسیر آرمان های آن تثبیت کنند. طبیعتاً یکی از سفارش های ایشان حفظ وحدت، انسجام و یکپارچگی حول محور ولایت توسط همه جریان های سیاسی معتقد به انقلاب است.

♦ از نظر شما حاج قاسم با نوشتن چنین وصیت نامه ای به دنبال تبیین چه مسائل و اهدافی بوده است؟



حسن شمشادی:

وصیت نامه حاج قاسم کلاس درسی است برای کسانی که ده ها سال بعد به دنیا می آیند



وجه سادات حسینی | وصیت نامه حاج قاسم به عنوان نقشه راه و یک طرح و الگو برای رفتار جامعه و محور مقاومت در گفتمان انقلاب خودش را نشان می دهد. حاج قاسم می خواست به ما بگوید اگر من به ظاهر نیستم، حرف من این هاست. همه افرادی که به جبهه مقاومت و به نظام و رهبری اعتقاد دارند یا در شک و شبهه به سر می برند، این وصیت نامه را بخوانند تا متوجه شوند. حسن شمشادی، فعال رسانه و کارشناس منطقه که حضوری پررنگ در عرصه جهادی به ویژه در سوریه و منطقه دارد، با تبیین مؤلفه های شخصیتی حاج قاسم، به بیان مشخصه های گفتمان سیاسی حاج قاسم پرداخت. در ادامه گفت و گوی وی با ویژه نامه آسوده را می خوانید.



به آن کشور می روم و دنبال قاتل خودم هستم؛ من نامزد شهادتم. مؤلفه های حاج قاسم بسیار زیاد است. صداقت، یکرنگی، سربازی واقعی و جان فدا بودن برای همه مردم و داشتن نگاه جذب حداکثری و صداقت، پاک دستی و مهربان بودن و در عین حال سخت گیری بر دشمنان نظام و مردم، این ها ویژگی هایی است که حاج قاسم را مورد اقبال عمومی قرار داد. من معتقدم اگر حاج قاسم نامزد انتخابات می شد، بیشترین رأی را در تاریخ انقلاب اسلامی به دلیل همین محبوبیت هایی که داشت، به دست می آورد.

◆ نگاه حاج قاسم به حضور مردم در انتخابات چگونه بود؟

نگاه عملی حاج قاسم به همه انتخاباتی که در عمر شریفش با آن برخورد کرده بود، مشارکت در انتخابات بود و هر جا که بود، در انتخابات شرکت می کرد و به آن الزام داشت، در همه اوضاع اقتصادی و مشکلات کشور و در همه دولت ها و با همه تحریم ها و سختی هایی که مردم می کشند. حاج قاسم به مشارکت عمومی در انتخابات اعتقاد داشت و در کلام و عمل به آن تأکید می کرد. اگر اکنون هم بین ما بود، تفاوتی نمی کرد و در این انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت می کرد و گوش به فرمان رهبر معظم انقلاب بود و همچون سربازی پشت سر رهبر معظم انقلاب که همواره بر حضور حداکثری مردم در پای صندوق های رأی تأکید دارند، در این انتخابات شرکت می کرد.

نقشه راه و یک طرح و الگو برای رفتار جامعه و محور مقاومت در گفتمان انقلاب خودش را نشان می دهد. حاج قاسم می خواست به ما بگوید اگر من به ظاهر نیستم، حرف من این هاست. همه افرادی که به جبهه مقاومت و به نظام و رهبری اعتقاد دارند یا در شک و شبهه به سر می برند، این وصیت نامه را بخوانند تا متوجه شوند. در واقع همان طور که کتاب ها ممکن است برای قرن ها بمانند، برخی وصیت نامه ها هم همین طور هستند. در وصیت نامه حاج قاسم اساسا اوضاع جامعه و نظام از گذشته و آنچه در محور مقاومت شکل گرفته، تشریح و تبیین شده است. یکی از ارکان اصلی و چارچوب های اساسی محور مقاومت که خودش بود و اهدافش از تلاش ها و مبارزاتش، در وصیت نامه مطرح شده است.

◆ مهم ترین مؤلفه ها و ویژگی های شخصیتی حاج قاسم که مورد پذیرش مردم بود را برای ورود به عرصه سیاست چه می دانید؟

در انتخابات سال ۱۳۹۶ و پیش از آن و پس از آن، زمینه هایی شنیده شد مبنی بر نامزد شدن حاج قاسم برای ریاست جمهوری که البته یک بازی و شیطنیت سیاسی بود، چرا که حاج قاسم اصلا دنبال قدرت و جریان سیاسی برای رسیدن به قدرت نبود، بلکه او سربازی بود که احساس وظیفه می کرد و در چارچوب وظیفه و تکلیفش عمل می کرد. نه برای اینکه به قدرت برسد و جریان سیاسی خاصی را به قدرت برساند. او همیشه می گفت من نامزد گلوله و شهادت هستم و سال هاست از این جبهه به آن جبهه و از این کشور

◆ بایبندی حاج قاسم به اصول و گفتمان انقلاب اسلامی را چطور ارزیابی می کنید؟

ایشان به اصولی معتقد بودند که همه آن اصول را در زندگی خودش پس از انقلاب اسلامی نشان داد و بعد به شکل عملی در سخنان و دستورات و بعد در وصیت نامه اش آورد که اشارات خوب و کاملی درباره نگاه سیاسی اش دارد. حاج قاسم در ظاهر به حفظ چارچوب های نظری نظام نگاه جدی و دقیقی دارد، به اصولی چون ولایت، انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، محور مقاومت و گفتمان انقلاب، اعتقاد کامل و وافر و عملی نشان داد. اما در عین حال به جذب حداکثری در رفتار و کردارش توجه داشت. در سخنرانی معروفی که از حاج قاسم منتشر شد، اگر کسی بگوید منبری های من، هیئت های من و این جناح و آن جناح، حرف درستی زده است. حاج قاسم به شکل عملی در محور مقاومت و در کشورهای منطقه به خوبی نشان داد که به شیعه و سنی بودن مردم نگاه نمی کند، بلکه به همه مظلومان کمک می کرد، چه عرب زبان یا فارسی زبان، عرب و عجم همه را یاری می کرد و در گفتمان سیاسی داخلش نیز همین گونه بود. شهید سلیمانی بارها تأکید کرده که من خط قرمزی ندارم که از آن عدول نمی کنم و برای آن سر هم می دهم که از جمله آن ولایت فقیه و رهبر معظم انقلاب بود.

◆ مهم ترین محورهای وصیت نامه حاج قاسم را چه می دانید؟

حاج قاسم در وصیت نامه اش بارها به ولایت فقیه و امام خامنه ای اشاره کرد و از تجربیاتش می گفت که مثل ایشان کسی را ندیده است و توصیه می کرد اگر می خواهید نظام جمهوری اسلامی حفظ شود، خیمه ولایت را رها نکنید. شهید سلیمانی اشارات واضحی به ولایت فقیه و رهبر معظم انقلاب دارد و عملا از زمانی که امام (ره) رحلت کردند و وظیفه زعامت امت اسلام بر عهده رهبر معظم انقلاب قرار گرفت، شهید سلیمانی به شکل عملی پای کار و زیر این خیمه بود و شعار نداد، بلکه در بزنگاه های مختلف به صورت نظری و عملی گوش به فرمان آقا بود و اشاره شفافی هم در وصیت نامه اش دارد و از همه ما خواست که از رهبری تبعیت عملی کنیم.

◆ از نظر شما حاج قاسم با نوشتن چنین وصیت نامه ای به دنبال تبیین چه مسائل و اهدافی بوده است؟

حاج قاسم همان طور که رهبر معظم انقلاب فرمودند، یک مکتب بود و یک مکتب هست و مکتب شهید سلیمانی التزاماتی دارد. اگر چنین وصیت نامه ای می نویسد، در واقع کلاس درسی برای کسانی است که ده ها سال بعد و قرن های پیش رو به دنیا می آیند و ما دیگر نیستیم. اما وصیت نامه حاج قاسم به عنوان





سیدهادی سیدافقهی:

حاج قاسم به دنبال پست و شهرت‌های زودگذر نبود

وجیهه سادات حسینی! رسیدگی سردار سلیمانی به سیل‌زدگان، فرزندان و خانواده‌های شهدا و ارادتش به حضرت زهرا^(س) و زهد و عبادت و تضرعش از او انسانی ساخت که همه مردم عاشقش بودند و مدالی را که رهبر معظم انقلاب به ایشان دادند، ابتداء بعد از قبول آن سرباز زد و خطاب به ایشان گفت مگر شما روی سینه‌تان مدال زدید و برای آن گریه کرد. در واقع سردار سلیمانی به دنبال پست و شهرت‌های زودگذر نبود و میزان حسنات خودش را با پست سیاسی عوض نکرد و جاودانه هم شد. سیدهادی سیدافقهی، کارشناس مسائل غرب آسیا و از دوستان و نزدیکان شهید سلیمانی، در گفت‌وگو با ویژه‌نامه آسوه به بیان منش سیاسی حاج قاسم و توصیه‌هایش به مسئولان نظام پرداخت.



♦ مردم و دوستداران حاج قاسم چگونه می‌توانند راه و مکتب او را ادامه دهند؟

شهید سلیمانی در این زمان اگر حضور داشت، به عنوان شهروندی مسئول نه به عنوان فردی دارای پست بالای نظامی در قبال سرنوشت کشورش و منافع مردمش و سلامتی نظام احساس مسئولیت و سخنرانی و روشنگری می‌کرد و مشارکت حداکثری را مطرح می‌کرد. حتماً شهید سلیمانی تأکید می‌کرد اگر فرصت سوزی و غفلت کنیم، شاهد اتفاقاتی می‌شویم که در مجلس ششم روی داد. در آن مجلس برخی نمایندگان خائن که الان فراری هستند، در مجلس تحصن کردند و از آمریکا خواستند به آن‌ها کمک کند. حاج قاسم قطعاً همان مأموریتی را دنبال می‌کرد که در همان زمان داشت و حتی باتوجه به حساس بودن اوضاع فعلی، مأموریت و آگاه‌سازی‌های خودش را چندبرابر می‌کرد. شهید سلیمانی اگر امروز هم حضور داشت، متناسب با چالش‌ها و تهدیدات فرارو تلاش را برای تحکیم نظام و ترغیب مردم به انتخابات چندین برابر می‌کرد.

الان هم روح حاج قاسم حضور دارد و در مراسم سالگرد ایشان مردم می‌گویند کاش مثل حاج قاسم بودیم. باید به درستی تبیین شود که اگر حاج قاسم الگوی واقعی شماست، باید در انتخابات شرکت کنید و دیگران را نیز به حضور حداکثری دعوت کنید. مردم و مسئولان این‌گونه می‌توانند راه و مکتب حاج قاسم را ادامه دهند.

دنبال شهادت بود و در نامه‌ای که به دخترش نوشت، از علاقه و اشتیاقش به شهادت می‌گوید. او دنبال کار جهادی و تأمین امنیت همه مردم در کل منطقه بود. حاج قاسم در این مأموریت عظیم فراملی در کل منطقه امنیت را ایجاد کرد و به تعبیر رهبر معظم انقلاب ملی‌ترین چهره و جهانی‌ترین چهره در جهان اسلام، حاج قاسم بود. او با خون جگر تشکیلات محور مقاومت را از نهضت فلسطین تا سوریه، عراق و مبارزه با داعش در پی گرفت و انصارا... یمن را تقویت کرد که امروز با موشک‌هایش به یاری مردم غزه می‌شتابد. رسیدگی او به سیل‌زدگان، فرزندان و خانواده‌های شهدا و ارادتش به حضرت زهرا^(س) و زهد و عبادت و تضرعش از او انسانی ساخت که همه مردم عاشقش بودند و مدالی را که رهبر معظم انقلاب به ایشان دادند، ابتداء از قبول آن سرباز زد و خطاب به رهبر معظم انقلاب گفت مگر شما روی سینه‌تان مدال زدید و بعد برای آن گریه کرد. ویژگی‌های این شهید فقط برای کسانی که از نزدیک با این شهید ارتباط داشتند، به شکل کامل قابل درک است و من نیز توفیق داشتم از نزدیک با ایشان بارها برخورد کنم. در واقع سردار سلیمانی دنبال پست و شهرت‌های زودگذر نبود و میزان حسنات خودش را با پست سیاسی عوض نکرد و جاودانه هم شد.



♦ چرا حاج قاسم به محافظت از خیمه ولایت و اصل ولی فقیه تأکید داشت؟

به تجربه و به شکل عیان بر سردار سلیمانی ثابت شد که باتوجه به نظام‌های کنونی جهان به ویژه نظام‌های شبه‌اسلامی در منطقه، هیچ‌کدام براساس احکام اسلامی عمل نمی‌کنند، بلکه برضد آن هستند و با دشمن ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی که در غزه نسل‌کشی می‌کند ارتباط دارند. بنابراین شهید سلیمانی اول نظر مردم را به اهمیت این خیمه مبارک ولایت فقیه و ام‌القرای اسلام و این حرم اهل بیت^(ع) متوجه کرد و با هر آنچه در توان و اندیشه و در عملکرد نیروی قدس و سپاه داشت، در بعد نهضتی این مسئله تلاش کرد. از آنجا که شهید سلیمانی شخصیتی چندوجهی داشت و فقط نظامی، امنیتی و سیاسی نبود، او خودسازی را از خودش شروع کرد و درک کرد این خودسازی اگر مهر مسئولیت نظام ولایت فقیه چه در زمان امام^(ع) و چه در زمان امام خامنه‌ای را نداشته باشد، مشروعیت ندارد و پایدار نخواهد ماند.

شهید سلیمانی به شکل مستقیم در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ در غزه و در جنگ سی‌وسه‌روزه در لبنان حضور داشت، چون خیالش راحت بود که این حرم و عمود خیمه‌اش با حکم ولایت پابرجاست. او مردم را تشویق و گاهی تهدید هم می‌کرد که وا... هر کسی تیری به سمت جمهوری اسلامی شلیک کند، وضعیتی ناپسامان خواهد داشت و ما دیدیم کسانی که با جمهوری اسلامی دشمنی کردند، چه در داخل و چه خارج کشور منکوب و منفور شدند. بنابراین فلسفه تأکید شهید سلیمانی بر خیمه ولایت ناشی از قرآن و فقه اهل بیت^(ع) و نشئت‌گرفته از مشروعیت ولی فقیه است که رکن اصلی مشروعیت، در واقع اسلامیت و جمهوریت نظام است. بنابراین هر دو مشروعیت برای شهید سلیمانی مهم بود و تلاش می‌کرد هرگونه آسیب فرهنگی، اجتماعی، نظامی و امنیتی را از این نظام دور کند. او با این تفکر و اخلاص به تعبیر رهبر معظم انقلاب به یک راه و مکتب تبدیل شد.

♦ نگاه حاج قاسم به عرصه سیاست داخلی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نظام جمهوری اسلامی به غیر از ستون اصلی آن که ولایت فقیه است، ارکان و سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه دارد. هیچ‌کدام از این قوا با تضعیفشان نمی‌توانند با دیگر قوا و ارگان‌های مختلف خدمت‌رسان همکاری کنند یا به نحو احسن در خدمت انقلاب باشند. انتخابات یکی از حساس‌ترین و شاخص‌ترین مسائل برای ثبات نظام است و رهبر معظم انقلاب بر مشارکت حداکثری در آن تأکید دارند. این همان وصیت سردار سلیمانی است که مسئولان کاری نکنند که مردم دل‌سرد، مأیوس و ناراحت شوند. در واقع عملکرد مسئولان ضامن مشارکت حداکثری مردم است و مسئله دیگر، تفهیم فلسفه این انتخابات و اهمیت انتخابات است که بارها رهبر معظم انقلاب در سال‌ها و هفته‌های گذشته در این زمینه سخنرانی کردند.

شهید سلیمانی تأکید داشت مسئولان از لحاظ عملکرد، بیان و قلم‌کاری نکنند که مردم دل‌زده شوند. متأسفانه در انتخابات امسال می‌بینیم برخی دانسته یا نادانسته آب به آسیاب دشمن می‌ریزند. این درحالی است که بیشترین آمار ثبت‌نام‌کنندگان در این دوره بوده و بهترین فضا و فرصت مشترک برای همه فراهم است، اما بیشترین فشارها در این دوره وجود دارد، چون می‌خواهند انتقام شکستشان در غزه و شکست آمریکا در منطقه و شکست پروژه عادی‌سازی را از ایران بگیرند. بنابراین از ترور شهید سردار رضی موسوی گرفته است تا عملیات خراب‌کاری در داخل کشور تا جنگ رسانه‌ای و ادراکی در فضای مجازی را علیه ایران به کار گرفتند.

♦ چه ویژگی‌های حاج قاسم سبب شد تا ایشان برای نامزدی انتخابات ریاست جمهوری مورد اقبال مردم قرار گیرد؟

حاج قاسم اسیر پست، مقام و شهرت نبود. او



عباس خامه یار:

سردار سلیمانی از جناح بندی و جاه طلبی های سیاسی دور بود



وجیهه سادات حسینی | شهید سلیمانی به دور از جناح بندی ها و جاه طلبی ها و افراط و تفریط های جریان های سیاسی چپ و راست حرکت می کرد و مردم او را شخصیتی معتدل و متوازن با ویژگی های کاملاً عقلایی و اخلاقی می دانستند.

عباس خامه یار، راینر پیشین فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در لبنان و معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه ادیان و مذاهب و کارشناس منطقه، در گفت و گو با ویژه نامه آسوه به تشریح شخصیت و نگاه شهید سلیمانی به حفاظت از ولایت و خدمت به مردم با نگاه فراملی و فرا جناحی پرداخت.



و ارزش های مکتب اسلام را مدنظر داشت. این ها ویژگی های کمی نبود و باعث شد که مردم حاج قاسم را به عنوان سردار عشق و محبت بشناسند و او را سردار دل ها بدانند.

❖ اگر امروز حاج قاسم بود به نظر شما نگاه ایشان به انتخابات پیش رو چگونه بود؟

حاج قاسم در کنار مردم و مستضعفان بود و برای احقاق حقوق مردم در کنارشان قرار می گرفت. او اشخاص و جریان هایی را بر می گزید که از نگاه او دل سوز مردم هستند و به دور از جناح بندی های صرف و منفعت طلبی هستند. شهید سلیمانی اهداف والای انقلاب اسلامی و ارزش های امام و رهبری را مدنظر خودش قرار می داد و آن ها را محک و معیار انقلابیگری و استمرار جریان انقلاب می دانست. بر این اساس، به عنوان یک مبلغ و رأی دهنده وارد عرصه انتخاب و انتخابات می شد و به هیچ وجه اجازه نمی داد هیچ جریان یا گروهی در واقع از نامش یا نام امام راحل (ع) و رهبری سوء استفاده کند.

حاج قاسم به گونه ای عمل می کرد که کسانی که منافع گروهی و شخصی خودشان را در هر گونه عملیاتی و انتخاباتی مدنظر داشتند، طرد و از صحنه خارج کند و دست به افشاگری می زد. حاج قاسم همواره صفش را از صف فرصت طلبان، وابستگان به اجنبی و غیراجنبی مستقیم یا غیرمستقیم و صف منفعت طلبان، صف مزوران که بعد از انقلاب به دنبال منافع شخصی خود بودند، جدا می کرد و در کنار مستضعفان قرار می گرفت. او صدای رسای کسانی بود که شاید همچنان صدایشان شنیده نشود و در کنار فرزندان انقلابیون به ویژه فرزندان شهیدانی قرار می گرفت که جان و هستی و همه وجودشان را در راه تحقق ارزش های والای انقلاب و امام (ع) دادند.

را می پذیرند و ایشان را الگوی خود قرار می دهند، طبیعتاً باید بُعد ولایت پذیری و ولایت مداری ایشان را نیز قبول کنند و بر آن بُعد تأکید کنند. حقیقتاً باید همان نگاهی را که حاج قاسم به خیمه ولایت داشت، داشته باشند و این شخصیت بزرگ را ستون جبهه مقاومت بدانند.

با این چارچوب، هر شخص، نهاد و جریانی در چارچوب تفکرات و اندیشه های خودش باید حافظ این وضعیت باشد. طبیعتاً محافظت از ستون این خیمه به تعبیر شهید سلیمانی محافظت از منافع ملی، تمامیت ارضی و وحدت و یکپارچگی کشورمان است و باید با این نگاه به اصل رهبری و ولایت فقیه بنگریم.

❖ چرا حاج قاسم با وجود اقبال مردمی هیچ وقت وارد میدان انتخابات نشد؟

این موضوع نکته مهمی است. با وجود استقبال مردم از نامزد شدن ایشان، حاج قاسم در وادی و فضای دیگری حرکت می کرد و حقیقتاً این نشان دهنده اخلاق والا و شناخت مردم از ابعاد شخصیت این شهید بزرگوار بود. ویژگی های شهید سلیمانی موجب شده بود مردم او را به عنوان قهرمان ملی و مدافع راستین از سرزمین و میهن و مدافع راستین حقوق خود بدانند. همچنین، او را شخصی بدانند که دل سوزی عمیقی برای مستضعفان داشت. ایشان در همه بحران ها، نامایمات و در همه حوادث سخت حضور پررنگ داشت و این حضور خارج از کادر دوربین ها بود.

شهید سلیمانی به دور از جناح بندی ها و جاه طلبی ها و افراط و تفریط های جریان های سیاسی چپ و راست حرکت می کرد و مردم او را شخصیتی معتدل و متوازن با ویژگی های کاملاً عقلایی و اخلاقی می دانستند که فقط و فقط منافع ملی و اهداف والای انقلاب

❖ تحلیل شما از شخصیت، نگاه و گفتمان سیاسی حاج قاسم چیست؟

شهید سلیمانی انسانی جامع الشرایط بود، یعنی او به تنهایی هم دارای قدرت سخت و هم قدرت نرم و به مفهوم قرآنی «اشدا علی الکفار و رحماء بینهم» بود. ما قدرت سختش را در میدان می دیدیم و عملاً در جای جای مبارزه با استعمار و با اشغالگری حضوری فعال داشت. او سخت مبارزه و مقاومت می کرد و قدرت سخت را در ضدیت مستقیم با استکبار و جریان های انحرافی که خواسته یا ناخواسته در خدمت استعمار بودند، به کار می گرفت. آنچه در فلسطین اشغالی اتفاق افتاد و مقاومت رامی طلبید، طراحی و برنامه ریزی کرد و حامی مقاومت فلسطین در جای جای این سرزمین اشغالی بود و به مبارزه با حامیان و دست نشاندهان استعمار می پرداخت. مواضع انقلابی و مقاومت سرسختانه اش در جای جای عراق فراتر از ملیت، مذهب و دین در کردستان، موصل و بغداد را همه شاهد بودند و در سوریه نیز به همین شکل، هر کجا داعش یا گروه تکفیری بود، حاج قاسم با آن ها می جنگید و فرماندهی می کرد. او ناجی مسیحیان سوریه و عراق و ایزدیان و ناجی اهل سنت در موصل و شیعیان در کشورهای مختلف بود. در عین داشتن قدرت سخت، قدرت نرم داشت و خوش رو و وارسته و متخلق به اخلاق الهی بود، به طوری که در کنار سیل زدگان اهواز و جنگ زدگان سوریه و در کنار کودکان، سالمندان و مستضعفان در هر کشوری می ماند و با درد و غم آن ها اشک می ریخت و دست نوازش بر سر آن ها می کشید و با قدرت فوق العاده نرمش مردم را جذب می کرد و آغوشش را برای مظلومان می گشود.

این قدرت نرم و سخت حاج قاسم شا کله وجودی ایشان بود و طبیعتاً نقش اول در ایجاد و استمرار جبهه مقاومت بود و این جبهه را نهاد ضد استعماری، ضد استبدادی و ضد سلطه گری غرب، ضد صهیونیستی و ضد امپریالیسم می دانست و همیشه و در همه جا ستون این خیمه جبهه مقاومت را رهبر معظم انقلاب می دانست. او بر این باور بود که به هر شکلی شده است باید از ستون این خیمه ولایت نگهداری شود و این ستون است که باعث ایستادگی و مقاومت این خیمه در گذشته بوده است و در حال و آینده خواهد بود.

❖ حاج قاسم در وصیت نامه اش بر لزوم مراقبت از اصول تأکید کرد. منظور ایشان از اصول، ولی فقیه است. به نظر شما مردم و مسئولان چگونه می توانند از این اصل مراقبت کنند؟

شهید سردار سلیمانی همواره به همگان توصیه می کرد باید حامی این ستون بود و خودش در رفتار و کردار و در منش و روش این گونه بود. کسانی که ابعاد ضد استعماری و ابعاد اخلاقی و انسانی حاج قاسم





ناصر ایمانی:

نگاه حاج قاسم درباره سیاست داخلی مورد احترام همه جریانات سیاسی کشور بود

زینب میرآخوری | حاج قاسم سلیمانی، فردی رادیکال نبود؛ برخلاف اینکه همه تصور می‌کنند یک فرد نظامی قاعدا تا باید نوع نگاهش در عرصه سیاست داخلی رادیکال باشد. در حالی که ایشان فردی بسیار منعطف بود. حاج قاسم گاهی بیانات و مواضعی داشت که حتی تعجب هم‌فکران خودش را برمی‌انگیخت. حتی به برخی مسائل اجتماعی به شکل حداقلی نگاه می‌کرد. به اعتقاد ناصر ایمانی، فعال سیاسی اصول‌گرا، حاج قاسم سلیمانی برخلاف شخصیت نظامی‌اش، فردی مهربان و منعطف بود. این ویژگی‌ها سبب می‌شد که نگاه حاج قاسم به عرصه سیاست داخلی را همه جریان‌های سیاسی کشور بپذیرند. در ادامه گفت‌وگوی وی با ویژه‌نامه آسوه را می‌خوانید.

آیا بین گفتمان سیاسی حاج قاسم و محبوبیت ایشان ارتباطی وجود دارد؟

دلیل اینکه شهید حاج قاسم سلیمانی این قدر محبوب شد، این بود که شخصیتی چندبعدی داشت، یعنی یک شخصیت ثابت نبود و فقط یک بعد وجودی نداشت، بلکه دارای ابعاد مختلف روحی و شخصیتی بود.

یک شخصیت ایشان، یک فرد بسیار مجرب و باهوش در عرصه نظامی بود که همه دشمنان حاج قاسم هم حتی به این بعد وجودی‌اش اعتراف می‌کردند. ایشان از لحاظ نظامی یک فرد بسیار پیچیده بود و انگار بالاترین درس‌های آکادمی‌های بزرگ نظامی جهان را خوانده است و بسیار بسیار باهوش بود.

جمع ابعاد شخصیتی ایشان با هم جالب است و مورد توجه گسترده قرار گرفته است. شخصیتی که این قدر در ابعاد نظامی قوی باشد، در ابعاد سیاسی، هم سیاست داخلی و هم سیاست خارجی فردی بسیار مجرب بود. ایشان هنرنمایی‌هایی در عرصه سیاست خارجی می‌کرد که دستگاه دیپلماسی ما و حتی بسیاری از کشورهای دیگر در این موضوع مانده بودند و باورش‌شان نمی‌شد که چقدر حرکت‌های سیاسی ایشان حساب شده، پخته و پیش‌بینی‌ناپذیر بود.

ویژگی دیگر ایشان این بود که در عرصه سیاست داخلی مردی بسیار فهیم و قابل اعتماد بود، یعنی همه با هر نوع نگاه سیاسی در کشور به دیدگاه سیاست داخلی حاج قاسم احترام می‌گذاشتند. این نکته در جای خودش بسیار قابل توجه بود.

حاج قاسم سلیمانی فردی رادیکال نبود؛ برخلاف اینکه همه تصور می‌کنند یک فرد نظامی قاعدا تا باید نوع نگاهش در عرصه سیاست داخلی رادیکال باشد، در حالی که ایشان فردی بسیار منعطف بود. حاج قاسم گاهی بیانات و مواضعی داشت که حتی تعجب هم‌فکران خودش را برمی‌انگیخت. حتی به برخی مسائل اجتماعی به شکل حداقلی نگاه می‌کرد. بعد دیگر شخصیت ایشان، مردمی بودنش بود. حاج قاسم بسیار محبوب بود؛ محبوب همه اقشار جامعه با هر نگاهی، افرادی که خیلی مذهبی هستند و حتی افرادی که کمتر تعلقات مذهبی دارند. همه حاج قاسم را دوست داشتند و مورد احترام همه قشرها بود. حاج قاسم به میان مردم می‌رفت و حرف‌های آن‌ها را گوش می‌کرد. ایشان از هرگونه تشریفات و تجملات، حتی مسائل حفاظتی و امنیتی فاصله می‌گرفت. کودکان مظهر عطوفت و مهربانی جوامع هستند و حاج قاسم با کودکان بسیار رابطه نزدیک و خوبی داشت.

بعد دیگر شخصیتی ایشان که بسیار جالب توجه بود، این بود که ایشان بسیار ولایت‌مدار بود به معنای واقع‌گرا. ولایت‌مداری در مواقع بسیار سخت فهمیده می‌شود. در مواقع عادی خیلی‌ها هستند که ادعای ولایت‌مداری می‌کنند، اما در مواقع سخت اگر ولایت‌مدار باشند و پشت ولی فقیه را خالی نکنند،

حرف است.

حاج قاسم دو اعتقاد جدی و بسیار محکم داشت و اصلاً مسامحه نمی‌کرد و اهل غلو نبود. یکی از آن‌ها اعتقاد بسیار عمیق و جدی بود که به شخص حضرت آیت‌الله خامنه‌ای داشت. این اعتقادش واقعا عجیب بود و بنده شخصا در سال‌های گذشته در شخصیت‌های اجتماعی و سیاسی شخصی را ندیدم که این قدر اعتقاد عمیق نه صرفاً از روی محبت خاص، بلکه از روی شناخت دقیق به رهبر معظم انقلاب داشته باشد. حاج قاسم بارها می‌گفت رهبر معظم انقلاب یک حکیم بزرگ است.

همین‌طور ایشان اعتقاد عجیبی هم به ولایت داشت. یعنی هم به مصداق و هم به مفهوم اعتقاد داشت. در مواقع بسیار سخت وقتی رهبر معظم انقلاب مطلبی می‌گفتند، حتی برخی مواقع که با نظر کارشناسی شهید حاج قاسم هم خیلی تطابق نداشت، مانند جنگ‌های سی‌وسه روزه لبنان، ایشان اجرا می‌کرد و می‌گفت از آنجا که ولی فقیه این موضوع را گفته‌اند، ما باید آن را انجام دهیم. ایشان بسیار ولایت‌پذیر بود.

همه این‌ها برای ما درس و الگوست که چنین شخصیتی که شهرت جهانی داشت، چقدر مطیع رهبر معظم انقلاب بود. او اعتقاد عمیقی به رهبر معظم انقلاب داشت و اینکه کسی را در شخصیت‌های سیاسی در این سی‌و‌اندی سال که رهبر معظم انقلاب به رهبری جمهوری اسلامی انتخاب شدند، ندیدیم که چنین باشد.

حاج قاسم در بخشی از وصیت‌نامه‌اش خطاب به بسیاين کشور نکاتی را بیان کرد. به نظر شما باتوجه به نزدیک بودن انتخابات مجلس چه میزان از این نکات مورد توجه بسیاين کشور قرار دارد؟

اگر بسیاين کشور ما واقعا حاج قاسم را به عنوان الگو قرار دهند (عمداً نمی‌گویم که رهبر معظم انقلاب را الگو قرار دهند، بلکه کسی را می‌گویم که پیرو ولایت بوده است و به گردن نظام حق دارد)، یعنی حاج قاسم را در عرصه‌های مختلف اخلاص، فداکاری، ازجان‌گذشتگی، فداشدن برای نظام و انقلاب، ولایت‌پذیری و ساده‌زیستی به عنوان الگو قرار دهند، بسیاری از مشکلات کشورمان حل خواهد شد. اکنون هم در عرصه سیاست می‌بینید که متأسفانه چقدر منیت و تکبر در میان بسیاين وجود دارد که به تفرقه منجر می‌شود.

حاج قاسم از منیت تهی شده بود و هیچ چیزی در درون ایشان که بگوید من هستم، دیده نمی‌شد. هرچه بود، برای نظام و مردم و انقلاب و محرومان نه تنها ایران، بلکه همه

منطقه در طبق اخلاص گذاشته بود.

از نظر شما حاج قاسم با نوشتن چنین وصیت‌نامه‌ای به دنبال تبیین چه مسائل و اهدافی بوده است؟

حاج قاسم می‌خواست چیزی را که تجربیات بعد از انقلابش بود، در این وصیت‌نامه بیاورد و بگوید راه نجات کشور و انقلاب این است. همان مسیری که خودش هم در آن قدم گذاشته بود. من وصیت‌نامه ایشان را مانیفست اعتقادات و تجربیات حاج قاسم می‌دانم، به اضافه اینکه ایشان مردم و بسیاين را راهنمایی کرد، با این مضمون که اگر می‌خواهید مسیر صحیح را بروید، در همین مسیری که در وصیت‌نامه آمده است، قدم بردارید.

سردار سلیمانی با وجود توجه مردم به او به چه علت هیچ‌گاه و در هیچ انتخاباتی نامزد نشد؟

همه این ویژگی‌هایی که از ابتدای گفت‌وگو درباره شهید حاج قاسم سلیمانی عرض کردم، باعث شد که یک اقبال مردمی و عاطفی به اینکه ایشان سکان مسائل اجرایی کشور را درست بگیرد، به وجود بیاید. حتی جریان‌های مختلف سیاسی هم گاه از این موضوع حمایت کردند. البته برخی هم زندانه حمایت کردند. برای اینکه بعدها بگویند کشور در دست نظامیان است و توسط نظامی‌ها اداره می‌شود. به همین دلایل هم بود که حاج قاسم همان زمان به شدت این مسئله را نفی و اعلام کرد که اصلاً قصد نامزد شدن در انتخابات ریاست جمهوری را ندارد. اما ایشان آن قدر مورد احترام و اقبال مردم کشور بود که همان‌طور که مشاهده کردید، در مراسم تشییع جنازه ایشان چه غوغایی در کشور به پا شد. همه اقشار جامعه در مراسم ایشان شرکت کردند و این‌ها صرفاً به این دلیل بود که خداوند متعال اجر تلاش‌های حاج قاسم را داد.



- صاحب امتیاز:
- شهرداری مشهد
- مدیر مسئول:
- سید میثم موسوی مهر
- سردبیر:
- سید سجاد طلوع هاشمی
- دبیر ویژه نامه:
- محسن پورعرب
- نشانی:
- کوهسنگی ۱۵، مجتمع باراد
- دفتر مرکزی:
- ۵-۸۸۸۸۸۸۸۸-۳۷۲-۵۱
- نمابر:
- ۵۱-۲۸۴۹۰۳۸۴
- شماره پیامک:
- ۳۰۰۷۲۸۹

حسین کنعانی مقدم:

شهید سلیمانی مانند مالک اشتر به راهبردهای رهبری وفادار بود



وجیهه سادات حسینی! من معتقدم شهید سلیمانی مانند مالک اشتر بود و رهبری و راهبردهای رهبری و نقشه راهی را که ایشان تأیید می‌کنند، موبه مو اطاعت و اجرا می‌کرد و خودش به دنبال این نبود که راهی به غیر از ولایت طی کند. حسین کنعانی مقدم، فعال سیاسی و کارشناس غرب آسیا، در آستانه چهارمین سالگرد شهادت شهید سردار حاج قاسم سلیمانی در گفت‌وگویی با ویژه‌نامه اسوه به بیان اندیشه و شخصیت شهید سردار سلیمانی در حوزه گفتمان سیاسی و وفاداری به راهبردهای رهبر معظم انقلاب پرداخت که در ادامه می‌خوانید.



به مرور زمان فراموش کردند و از دست دادند یا در حفظ ارزش هانمی‌کوشند، باید به دنبال انقلابشان در موزه‌ها بگردند و شکست می‌خورند و تداوم نخواهند داشت.

از این رو، یکی از رموز پیروزی انقلاب اسلامی، وحدت در اصول است. در نتیجه باید با یکدیگر اصول انقلاب را در وحدت قبول داشته باشیم و آن را دنبال کنیم.

◆ نگاه حاج قاسم به اصل انتخابات و لزوم مشارکت مردم در تعیین سرنوشت کشور چه بود؟

با شناختی که من از اندیشه و مکتب حاج قاسم دارم، ایشان برای رأی مردم ارزش قائل بود و «هر ایرانی یک رأی» را به عنوان یک ارزش برای مشارکت در سرنوشت کشور می‌دانست و حضور مردم در صحنه چه در دفاع مقدس و چه در پای صندوق‌های رأی را نعمتی برای تحقق مردم‌سالاری دینی می‌دانست. به همین دلیل به رأی مردم بسیار احترام می‌گذاشت و در اوضاع مختلفی که ایشان امکانش را داشت در زمینه مشارکت‌های سیاسی مردم‌کاری انجام دهد، دریغ نمی‌کرد و همه را به حضور فعال در انتخابات تشویق می‌کرد، چون می‌دانست از نقاطی که دشمن تلاش می‌کند به آن ضربه بزند، بحث مقبولیت و مشروعیت نظام است که انتخابات می‌تواند هر دو را تضمین کند.

من معتقدم شهید سلیمانی مانند مالک اشتر بود و رهبری و راهبردهای رهبری و نقشه راهی را که ایشان تأیید می‌کنند، موبه مو اطاعت و اجرا می‌کرد. او خودش به دنبال این نبود که راهی به غیر از ولایت را طی کند و همین راهبردهایی را که رهبر معظم انقلاب درباره انتخابات مطرح کردند، مثل سلامت انتخابات، امنیت انتخابات و مشارکت و رقابت در انتخابات مجلس شورای اسلامی، ایشان هم جزء اهدافش قرار می‌داد و همه تلاشش را برای تحقق این راهبردهای رهبر معظم انقلاب به کار می‌گرفت.

از ولایت و تکلیف‌مداری ایشان بود. ایشان تلاش می‌کرد در تکلیفی که عمدتاً هم رهبر معظم انقلاب برای ایشان تعیین می‌کرد، به بهترین شکل آن را انجام دهد و از کنایه‌ها و سخنان بیهوده‌ای که برخی‌ها در صحنه‌های مختلف سیاسی کشور مطرح می‌کردند، همواره پرهیز می‌کرد. همین اخلاص بود که سرانجام او را عاقبت به‌خیر کرد و مقام شهید قدس را به خودش اختصاص داد. اگر ما بخواهیم دنبال اسطوره‌ای در زمان خود بگردیم که هم مرد میدان و هم مرد سیاست باشد و هم در بحث سیاست خارجی و داخلی قدرت تحلیل و تبیین مواضع داشته باشد و بتواند با ترکیبی از میدان و دیپلماسی به اهداف خودش برسد، حاج قاسم سلیمانی یکی از این‌هاست. او توانست در عمل آمریکا و صهیونیست‌ها را به چالش بکشد. سخنی که حاج قاسم خطاب به رئیس‌جمهور آمریکا گفت که «ای ترامپ قمارباز، حریت منم!» یکی از جملاتی است که باید با طلانوشت و در همه‌جا نصب کرد. این است چگونگی اینکه یک فرمانده می‌تواند با عده و غده‌ای کم در مقابل یک قدرت نظامی مثل آمریکا که مدعی آن است، آن‌را به چالش بکشد، به‌طوری‌که او را مجبور کرد دست به جنایتی بزند تا در تاریخ ثبت شود که رهبران آمریکا تروریست دولتی هستند.

◆ حاج قاسم در وصیت‌نامه‌اش به حفاظت از اصل ولایت فقیه تأکید دارد. چرا این موضوع به این اندازه مورد توجه او بود؟

اصولی که ایشان در وصیت‌نامه‌اش به آن اشاره کرد، همان است که بر مبنای آن انقلاب اسلامی شکل گرفت و این اصول برآمده از تفکر و ایدئولوژی اسلام به‌ویژه تشیع است. توصیه ایشان به همه این است که اگر می‌خواهید انقلاب تداوم داشته باشد و به آن قله‌های مرتفع آرمانی و آن ارزش‌ها دست پیدا کنیم، این اصول را باید حفظ کنید. کسانی که اصولشان را

توانست مسیرهای بسیار سخت و دشوار مجاهدت، مبارزه، مقاومت و ایستادگی را پشت سر بگذارد و وعده خداوند برای چنین شخصیت‌هایی همین پاداش شهادت است.

◆ چرا حاج قاسم با وجود آنکه یک شخصیت نظامی بود اما در عرصه سیاست مورد پذیرش طیف‌های مختلفی از مردم نیز بود؟

شهید سلیمانی بارها در معرض این مسئله بوده که به عرصه سیاست وارد شود. حتی در انتخابات مختلف به ایشان توصیه می‌کردند که نامزد انتخابات شود، اما نکته‌ای که ایشان را از بازی‌های سیاسی و سیاسی‌کاری‌ها دور می‌کرد، همان اخلاص در تبعیتش

◆ نگاه و گفتمان سیاسی حاج قاسم را چگونه تحلیل می‌کنید؟

قطعا پرچم‌دار ولایت در صحنه‌های سخت پس از پیروزی انقلاب اسلامی در جبهه‌های نبرد، شخصیتی مثل حاج قاسم بود. شاگردان ایشان هم همچنان راه این شهید بزرگ را در حفاظت از خیمه ولایت ادامه می‌دهند. در واقع ولایت همان عروة الوثقی بود که در قرآن هم تمسک به آن به مؤمنان توصیه شده است و اینکه باید به آن چنگ بزنند. در بین فرماندهانی که من می‌شناسم و با آن‌ها همکاری کردم، قطعا شهید حاج قاسم سلیمانی که لقب شهید قدس دارد، از کسانی بود که در تبعیت از ولایت لحظه‌ای شک به خود راه نداد. او با اخلاصی که داشت،

